

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه مذاهب اسلامی
دانشکده فقه و حقوق مذاهب اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه مقارن و حقوق عمومی اسلامی

عنوان:

نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان

دانشجو: میر بهمن الدین کمالزاده

استاد راهنما: دکتر محمود ویسی

استاد مشاور: دکتر افتخار دانشپور

خرداد/ جوزا ۱۴۰۰

این پایان نامه متعلق به دانشگاه مذاهب اسلامی است و هرگونه استفاده منوط به دریافت مجوز از دانشگاه می باشد.



صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

نام و نام خانوادگی دانش‌آموخته: میربهمن الدین کمال زاده

شماره ملی:

شماره دانشجویی: ۹۸۱۱۴۳۱۰۰۲

عنوان: « نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان »

رشته تحصیلی: فقه مقارن و حقوق عمومی اسلامی

هیئت داوران پس از شنیدن گزارش، دفاعیه دانشجو و نحوه پاسخ به پرسش‌ها، درجه و نمره نهایی آنرا به شرح ذیل اعلام کرد:

پایان نامه مورد قبول می‌باشد. پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می‌باشد. پایان نامه مورد قبول نمی‌باشد.

درجه	به حروف	به عدد	به عدد	به عدد	نمره پایان نامه از ۱۹
عالی	نوزده کام	۱۹ - نمره نهایی	=	۱ نمره مقاله	+ ۱۸۱

امضا	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی		سمت
		وابستگی سازمانی (پژوهشگاه/دانشگاه/...)		
	استادیار	محمود ویسی		استاد راهنما
		دانشگاه مذاهب اسلامی		
	استادیار	افتخار دانشپور		استاد مشاور
		دانشگاه مذاهب اسلامی		
	دانشیار	عابدین مومنی		استاد داور
		دانشگاه تهران		
	سمت	نام و نام خانوادگی		تأیید ناظر
	کارشناس مسئول تحصیلات تکمیلی	محمدباقر حیدریان		مؤسسه

تقدیم

تقدیم به پدر بزرگوار و مادر گرامی ام به پاس زحمات بی دریغ و دعای خیرشان و برادران و
خواهرانم که صبورانه مرا همراهی نمودند. تقدیم به آنهایی که در راه علم و عدالت می کوشند.

پاسکزاری

حمد و سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش را بنمونان شد و به بهمنشینی رحروران علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

سپاس فراوان از خانواده کرامی ام به ویژه پدر و مادر عزیزم که همواره مراد تحصیل علم و دانش یاری نموده اند و تمام داشته ها و اندوخته هایم را مرهون و مدیون لطف و محبت بی حد و حصرشان بستم.

باسپاس فراوان از استادان نهایت محترم آقای دکتر محمود ویسی و خانم دکتر افتخار دانشپور که بزرگوارانه و با لطف خویش اینجانب را در تدوین این پژوهش راهنمایی فرمودند. و همچنین از مسئولین محترم دانشگاه مذاهب اسلامی دتامی بخش ما، به ویژه آقای دکتر مهدی جمالی فر معاونت محترم فرهنگی و دانشجویی، و آقای رسول جزینی کارشناس محترم کتابخانه، بابت بهکارهای شان تشکر می کنم.

از خداوند متعال برای هر یک از این عزیزان و بزرگواران سلامتی و طول عمر خواهانم.

چکیده

قدرت سیاسی اگر نظارت و مهار نشود، جامعه به فساد و تباهی می کشد و موجب تضییع حقوق دیگران می شود. نظارت بر قدرت سیاسی به معنای جلوگیری از سوء استفاده از قدرت و ارایه نقطه نظرهای اصلاحی در جهت هدایت مدیران سیاسی است؛ در یک کلمه بستن راه های پنهان و آشکار استبداد و استکبار در معنا و مفهوم نظارت بر قدرت سیاسی نهفته است. نظارت و مهار قدرت سیاسی در تمامی نظام های سیاسی به شکل های مختلف مطرح بوده است. اسلام با آن که قدرت زمامدار را امانتی در دست وی می داند، نظارت و مهار قدرت سیاسی را نیز مورد توصیه و تاکید قرار داده است؛ اسلام علاوه بر نظارت درونی بر نظارت بیرونی نیز تاکید ویژه دارد. پرسش اساسی که در این تحقیق مطرح است این است که نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان چیست. پژوهش حاضر در پاسخ به این سوال، با روش توصیفی-تحلیلی از طریق جمع آوری مطالب از منابع فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان به شیوه کتابخانه ای، به یافته های زیر رسیده است:

با وجود اختلاف در مبنای مشروعیت قدرت سیاسی میان مذاهب اسلامی، نظارت بر قدرت سیاسی لازم و اصل پایدار و مستحکم فرض شده و مسئولیت انجام آن بر عهده مردم گذاشته شده است. در این زمینه آیات، روایات و سنت عملی پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) و یاران ایشان گواه بر این مدعا است. امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت و ارشاد از جمله شیوه های قدیمی و خاستگاه های نظارت و مهار قدرت سیاسی در فقه مذاهب اسلامی هستند که نظارت مردمی را در جامعه اسلامی تحقق می بخشند. احزاب سیاسی، جامعه مدنی و مطبوعات و رسانه ها از جمله شیوه های جدید نظارتی از سوی مردم در فقه مذاهب اسلامی شناخته شده اند. تحقق توحید و اجرای شریعت، احیای حق و عدالت خواهی، تحقق معروف و جلوگیری از منکرات، اصلاح گری و فساد ستیزی، اهتمام به امور مسلمین و حفظ مصالح عمومی از جمله پیامدهای نظارت بر قدرت سیاسی می باشند. البته سوء ظن، دخالت در امور دیگران، افترا و اتهام اخلاقی و توهین و تحقیر در این نظارت تحریم شده است.

بدیهی است حق چنین نظارتی برای مردم نیز در حقوق افغانستان مورد تاکید واقع شده و مردم می توانند با بهره گیری از آزادی بیان، مطبوعات و رسانه ها، احزاب سیاسی، جامعه مدنی، اجتماع، اعتصاب، مظاهره و تحصن، قدرت سیاسی را مورد نظارت قرار داده و بدین ترتیب مانع سوق آن به فساد و خودکامگی شوند؛ هرچند موانع قانونی و عملی بر سر راه این نظارت وجود دارد.

واژه های کلیدی: مردم، نظارت و مهار، قدرت سیاسی، فقه مذاهب اسلامی، حقوق افغانستان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول	
کلیات و تبیین مفاهیم	
مبحث اول؛ کلیات	۲
۱- تبیین مساله	۲
۲- سوال های تحقیق	۳
۳- فرضیه های تحقیق	۳
۴- پیشینه تحقیق	۳
۵- روش تحقیق	۶
۶- اهداف و ضرورت تحقیق	۶
۷- جنبه جدید و نوآوری بودن تحقیق	۷
۸- ساختار تحقیق	۷
مبحث دوم؛ تبیین مفاهیم	۸
۱- دولت	۸
۲- مردم یا جمعیت	۱۰
۱-۲- ملت	۱۱
۲-۲- فرق میان مردم و ملت	۱۲
۳-۲- امت	۱۳
۳- سرزمین	۱۵
۱-۳- مرزهای سرزمین	۱۶
۳-۱-۱- مرزهای طبیعی و غیر طبیعی (مصنوعی)	۱۶
۳-۱-۲- مرزهای عقیدتی	۱۷
۳-۱-۳- مرزهای کنونی دولت های اسلامی	۱۷
۴- قدرت سیاسی	۱۸
۱-۴- تعریف و مترادف های قدرت	۱۸
۴-۱-۱- قدرت در لغت	۱۸
۴-۱-۲- قدرت در اصطلاح	۱۹

- ۲۰-۳-۱-۴ مترادف های قدرت ۲۰
- ۲۰-۱-۳-۱-۴ قدرت و نفوذ ۲۰
- ۲۱-۲-۳-۱-۴ قدرت و اقتدار ۲۱
- ۲۱-۲-۴-۲-۴ تعریف سیاست ۲۱
- ۲۱-۱-۲-۴ سیاست در لغت ۲۱
- ۲۲-۲-۲-۴ سیاست در اصطلاح ۲۲
- ۲۳-۳-۴ تعریف قدرت سیاسی ۲۳
- ۲۴-۴-۴ منابع قدرت و قدرت دولت ۲۴
- ۲۴-۱-۴-۴ منابع قدرت فردی و اجتماعی ۲۴
- ۲۵-۲-۴-۴ منابع قدرت دولت ۲۵
- ۲۶-۵-۴ ابزارهای قدرت ۲۶
- ۲۶-۱-۵-۴ قدرت تنبیهی ۲۶
- ۲۶-۲-۵-۴ قدرت تشویقی ۲۶
- ۲۶-۳-۵-۴ قدرت اقناعی ۲۶
- ۲۸-۶-۴ نهادهای قدرت ۲۸
- ۲۸-۱-۶-۴ شخصیت ۲۸
- ۲۸-۲-۶-۴ مالکیت ۲۸
- ۲۸-۳-۶-۴ سازمان ۲۸
- ۲۹-۷-۴ منشاء قدرت سیاسی ۲۹
- ۲۹-۱-۷-۴ نظریه الهی ۲۹
- ۳۱-۲-۷-۴ نظریه مردمی (دموکراسی) ۳۱
- ۳۲-۸-۴ منشا قدرت سیاسی در اسلام ۳۲
- ۳۲-۵- نظارت ۳۲
- ۳۲-۱-۵ تعریف لغوی نظارت ۳۲
- ۳۳-۲-۵ تعریف اصطلاحی نظارت ۳۳
- ۳۵-۳-۵ پیشینه فقهی و حقوقی نظارت ۳۵
- ۳۵-۴-۵ مراحل نظارت ۳۵
- ۳۶-۱-۴-۵ جمع آوری اطلاعات لازم ۳۶
- ۳۶-۲-۴-۵ جمع بندی و تحلیل اطلاعات ۳۶

- ۳۶-۴-۵- نتیجه گیری و تصمیم سازی ۳۶
- ۳۶-۵- ابعاد نظارت..... ۳۶
- ۳۷-۶-۵- ضرورت نظارت بر قدرت سیاسی ۳۷
- ۳۸-۶- فقه مذاهب اسلامی ۳۸

فصل دوم

نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی

- مبحث اول؛ مبنای مشروعیت حاکم ۳۹
- ۱- مبنای مشروعیت حاکم از دیدگاه اهل سنت ۳۹
- ۱-۱- شرایط حاکم ۴۰
- ۲-۱- شیوه های تعیین حاکم از دیدگاه اهل سنت ۴۰
- ۳-۱- شرایط انتخاب کنندگان ۴۲
- ۴-۱- جایگاه مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه اهل سنت ۴۳
- ۲- مبنای مشروعیت حاکم از دیدگاه شیعه ۴۴
- ۱-۲- شرایط کلی امام ۴۵
- ۲-۱-۱- عصمت ۴۵
- ۲-۱-۲- علم و بصیرت ۴۵
- ۳-۱-۲- پاکزادی ۴۶
- ۴-۱-۲- عدالت و دادگری..... ۴۶
- ۲-۲- تعیین تکلیف در دوران غیبت ۴۶
- ۱-۲-۲- دوری گزینی از سیاست ۴۶
- ۲-۲-۲- دوگانگی آمریت در امور شرعی و امور حکومتی ۴۷
- ۳-۲-۲- نظریه ولایت فقیه ۴۷
- ۲-۲-۳-۱- نظریه انتصابی بودن حاکم ۴۷
- ۲-۲-۳-۲- نظریه انتخابی بودن حاکم ۴۸
- ۳-۲- جایگاه مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه شیعه ۴۸
- ۲-۳-۱- دوران حضور معصوم (علیه السلام) ۴۹
- ۲-۳-۲- دوران غیبت و عدم حضور معصوم (علیه السلام) ۴۹
- مبحث دوم؛ نظارت و مهار قدرت سیاسی از سوی مردم ۵۰
- ۱- مستندات نظارت و مهار قدرت سیاسی ۵۰

- ۱-۱- قرآن کریم ۵۰
- ۱-۱-۱- نظارت، سنت ثابت الهی ۵۰
- ۱-۲-۱- برابری و مساوات ۵۲
- ۱-۳-۱- امانت بودن قدرت ۵۲
- ۱-۴-۱- مردود بودن خودمحوری و استبداد رای ۵۳
- ۱-۵-۱- عدالت ورزی ۵۳
- ۱-۶-۱- نکوهش ظلم و ظلم ستیزی ۵۴
- ۱-۷-۱- مذبت تکبر و تاکید بر لزوم فروتنی در مقابل مردم ۵۴
- ۱-۸-۱- بر حذر داشتن از دنیامداری ۵۴
- ۱-۹-۱- پیشنهاد راه های نظارتی ۵۵
- ۲-۱- سنت نبوی ۵۶
- ۳-۱- سنت یاران پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) ۵۷
- ۵۸- مبحث سوم؛ شیوه های نظارت و مهار قدرت سیاسی از سوی مردم ۵۸
- ۱- امر به معروف و نهی از منکر ۵۸
- ۱-۱- مفهوم معروف و منکر در لغت و اصطلاح ۵۹
- ۲-۱- مستندات امر به معروف و نهی از منکر ۶۰
- ۱-۲-۱- قرآن کریم ۶۰
- ۲-۲-۱- روایات ۶۱
- ۳-۱- حکم امر به معروف و نهی از منکر ۶۱
- ۴-۱- شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۶۴
- ۱-۴-۱- شناخت معروف و منکر ۶۴
- ۲-۴-۱- امکان و احتمال تاثیر ۶۴
- ۳-۴-۱- ادامه گناه و اصرار بر آن ۶۵
- ۴-۴-۱- ضرر و زیان نداشتن ۶۵
- ۵-۱- مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۶۵
- ۱-۵-۱- مرحله قلبی ۶۵
- ۲-۵-۱- مرحله زبانی ۶۶
- ۳-۵-۱- مرحله عملی ۶۶
- ۶-۱- آثار سیاسی- اجتماعی ترک امر به معروف و نهی از منکر ۶۶

- ۱-۶-۱- سلطه اشرار بر جامعه ۶۶
- ۱-۶-۲- فساد اجتماعی ۶۷
- ۱-۶-۳- عذاب و هلاکت امت ۶۷
- ۱-۷- حسبه و احتساب ۶۷
- ۲- نصیحت حاکم و کارگزاران ۷۰
- ۱-۲- وجوب قبول نصیحت ۷۲
- ۲-۲- وجوه اشتراک و افتراق نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر ۷۲
- ۲-۲-۱- وجوه اشتراک ۷۲
- ۲-۲-۲- وجه افتراق ۷۲
- ۲-۳- انواع نصیحت ۷۳
- ۲-۳-۱- نصیحت ابتدایی ۷۳
- ۲-۳-۲- نصیحت استنصاحی ۷۴
- ۲-۴- محدودیت نصیحت ۷۴
- ۳- ارشاد جاهل ۷۴
- ۳-۱- انواع ارشاد ۷۵
- ۳-۲- مستندات ارشاد جاهل ۷۵
- ۳-۳- حکم ارشاد در احکام و موضوعات ۷۶
- ۳-۴- ارشاد و نظارت ۷۶
- ۴- احزاب سیاسی ۷۷
- ۴-۱- موافقان و مخالفان تعدد احزاب در کشورهای اسلامی ۷۹
- ۴-۱-۱- مخالفان تعدد احزاب ۷۹
- ۴-۱-۲- نقد و بررسی دلایل مخالفان ۷۹
- ۴-۱-۳- موافقان تعدد احزاب ۸۰
- ۴-۱-۳-۱- قرآن کریم ۸۱
- ۴-۱-۳-۲- اصول فقهی و شرعی ۸۱
- ۴-۱-۳-۳- اصل اجتهاد و خطاپذیری ۸۲
- ۵- جامعه مدنی ۸۲
- ۶- مطبوعات و رسانه ها ۸۵
- ۶-۱- ادله آزادی بیان و رسانه ها و مطبوعات ۸۵

۸۷	مبحث چهارم؛ محدوده نظارت
۸۷	۱- حرمت سوء ظن و تجسس در زندگی خصوصی دیگران
۸۸	۲- حرمت دخالت در امور افراد
۸۹	۳- حرمت افترا و اتهام اخلاقی
۸۹	۴- حرمت توهین و تحقیر
۸۹	مبحث پنجم؛ اهداف و کارکرد های نظارت و مهار قدرت سیاسی
۸۹	۱- تحقق توحید و اجرای شریعت
۸۹	۲- احیای حق و عدالت خواهی
۹۰	۳- تحقق معروف و جلوگیری از منکرات
۹۰	۴- اصلاح گری و فساد ستیزی
۹۱	۵- اهتمام به امور مسلمانان و حفظ مصالح عمومی
۹۱	۶- مهار قدرت سیاسی

فصل سوم

نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی در حقوق افغانستان

۹۲	مبحث اول؛ نظام سیاسی افغانستان
۹۳	۱- نظام سیاسی با توجه به تفکیک قوا
۹۴	۱-۱- نظام ریاستی
۹۵	۱-۲- نظام پارلمانی
۹۵	۱-۳- نظام نیمه ریاستی یا نیمه پارلمانی
۹۵	۲- نظام سیاسی افغانستان با توجه به تفکیک قوا
۹۷	مبحث دوم؛ مبنای مشروعیت قدرت سیاسی در افغانستان
۹۸	۱- شرایط نامزدی برای ریاست جمهوری
۹۹	۲- شیوه تعیین رئیس جمهور
۱۰۱	۳- صلاحیت های رئیس جمهور
۱۰۱	مبحث سوم؛ جایگاه مردم در قدرت سیاسی
۱۰۲	مبحث چهارم؛ نظارت و مهار قدرت سیاسی و شیوه های آن
۱۰۳	۱- آزادی بیان
۱۰۴	۲- مطبوعات و رسانه ها
۱۰۵	۲-۱- حدود آزادی بیان، مطبوعات و رسانه ها

- ۳- جامعه مدنی ۱۰۶
- ۴- احزاب و تشکل های سیاسی ۱۰۷
- ۴-۱- حدود احزاب سیاسی ۱۰۸
- ۵- اجتماع، اعتصاب، مظاهره و تحصن ۱۰۹
- ۵-۱- حدود اجتماع، اعتصاب، مظاهره و تحصن ۱۱۰
- مبحث پنجم؛ ضمانت اجرای نظارت و مهار قدرت سیاسی ۱۱۳**
- ۱- معتقدات و احکام دین اسلام ۱۱۳
- ۲- قانون اساسی ۱۱۴
- ۲-۱- حاکمیت مردم ۱۱۵
- ۲-۲- تفکیک قوا ۱۱۵
- ۲-۳- اصل حاکمیت قانون ۱۱۷
- ۲-۴- انتخابی بودن و محدودیت زمانی برای برخی سمت ها ۱۱۸
- ۳- افکار عمومی ۱۱۸
- مبحث ششم؛ موانع قانونی و عملی بر سر راه نظارت و مهار قدرت سیاسی ۱۱۸**
- ۱- استبداد و خودکامگی ۱۱۹
- ۲- شکاف و تعارض قومی و زبانی ۱۱۹
- ۳- عدم رشد و آگاهی لازم ۱۲۰
- ۴- عدم تطبیق یکسان قانون ۱۲۰
- ۵- جنگ و ناامنی ۱۲۱
- ۶- مطبوعات و رسانه ها ۱۲۱
- ۷- دخالت بیگانگان ۱۲۱
- نتیجه گیری ۱۲۳
- پیشنهادات ۱۲۵
- ماخذ و منابع ۱۲۶

مقدمه

دولت به مفهوم امروزی از ابداعات دوره نوزایی (رنسانس) است که با رهایی ملل اروپا از زیر یوغ نظام فیودالی و خان‌خانی به ظهور پیوست. دولت در کل، چه به مفهوم گذشته و چه به مفهوم امروزی آن، سه عنصر را در خود داشته است: سرزمین، جمعیت و قدرت سیاسی.

قدرت پدیده طبیعی - اجتماعی است که در تمام جوامع انسانی و حتا در جوامع حیوانی، پرنندگان و حشرات؛ مثل زنبور، مورچه و موریانه نیز دیده می‌شود. در هر گروهی بعضی نقش رهبری گروه را دارند و بقیه از آنها فرمان می‌برند. در جوامع انسانی، قدرت به اشکال مختلف خودنمایی می‌کند؛ مانند قدرت پدر در جوامع انسانی، معلم در کلاس، رییس در اداره، کارفرما در کارخانه، رهبر در حزب؛ در بین تمام قدرت‌ها، قدرت دولت از همه سازمان یافته تر، نیرومندتر و برتر است و کسی را یارای مخالفت با آن نیست و تمام قدرت‌های موجود در جامعه از آن اطاعت می‌کنند. در اصطلاح علم سیاست، برای متمایز کردن قدرت دولت از دیگر قدرت‌های اجتماعی، آن را قدرت سیاسی و آن جامعه را که از بلوغ و انسجام و استحکام لازم برخوردار است، جامعه مدنی یا سیاسی می‌نامند.

دولت با استفاده از قدرت، نظم را در جامعه برقرار می‌کند و متمردين را بر سر جای خود می‌نشانند. بر اساس همین قدرت است که قوه قانونگذاری به وضع قواعد می‌پردازد و چگونگی رفتار دیگران را تنظیم می‌کند، قوه قضاییه به تمیز حق و اجرای عدالت و حل و فصل خصومت‌ها می‌پردازد و دستگاه اداری به ایجاد نظم و دفاع از کشور و توزیع ثروت و مناصب و مشاغل می‌پردازد.

اگرچه قدرت سیاسی برای برقراری نظم عمومی در جامعه و دفاع از آن در برابر دشمنان امر مفید و ضروری است؛ اما در عین زمان یک امر خطرناک نیز می‌باشد؛ زیرا ممکن است به دست شخص بیفتد و وسیله ظلم و ستم‌گری شود و جامعه را به تباهی بکشد. امروز با گسترش بی‌سابقه وسایل ارتباطی و اختراع سلاح‌های موحش و از همه مهمتر نفوذی که دولت بر رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات و آموزش و پرورش دارد، مقاومت و پایداری افراد در برابر یک دولت خودکامه دشوار گردیده است. پیشرفت تکنولوژی جدید به دولت چنان قدرتی بخشیده است که می‌تواند به آسانی بر هر گونه مقاومت و مخالفت افراد چیره شود و آن را از میان بردارد.

برای این که از فساد و خودکامگی دولت جلوگیری شود، یکی از راه کارهای اصولی که عقل، تجربه و علم به ضرورت آن پی برده، نظارت بر اعمال کارگزاران برای فراهم آوردن زمینه ارزیابی است. نحوه نظارت و مهار قدرت سیاسی در تمامی نظام‌های سیاسی، به شکل‌های مختلف مطرح بوده است.

فصل اول

کلیات و تبیین مفاهیم

مبحث اول؛ کلیات

۱- تبیین مسأله

بدون شک، دولت گروه اجتماعی است و مثل هر گروه دیگر اجتماعی دارای قواعد و نظاماتی است؛ ولی آنچه در این گروه امتیاز انحصاری است توان تحمیل اراده خود بر دیگران از راه اجبار مادی است، یعنی آنچه در زبان کنونی «قدرت عمومی» یا «قدرت سیاسی» می نامند.

قدرت سیاسی اگر نظارت و مهار نشود، جامعه به فساد و تباهی می کشد و موجب تضییع حقوق دیگران می شود؛ به تعبیر مشهور «قدرت موجب فساد می شود و قدرت مطلق موجب فساد مطلق»؛ به همین لحاظ اندیشه ورزان همواره در این اندیشه بوده اند که چگونه می توان قدرت های خودکامه را نظارت و مهار کرد و از مفاسد و معایب آنها جلوگیری نمود. در نتیجه، تفکیک قوا، حاکمیت قانون، نظارت بر اعمال دولت و شناسایی حقوق بنیادین افراد در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی بشر و برقراری نظام نظارت بر اعمال حکومت و بازرسی و مهار عملکرد دولتمردان به عنوان موثرترین و مهمترین ابزارهای جلوگیری از انحراف قدرت مطرح شده اند.

امروزه مهمترین وجه تمایز نظام های مردم سالاری از غیر آن، وجه نظارت پذیری و پاسخگو بودن و قبول مسئولیت در قبال مردم است؛ به دلیل همین پاسخگویی به مردم و مسئولیت شناسی، واجد مشروعیت اند. در مقابل، حکومت های غیر مردمی، اعم از سنتی و مدرن و انواع مختلف آن مانند رژیم های تمامیت گرا و جامع القوا و استبدادی، با نادیده گرفتن مردم و حقوق آنها اهمیتی به پاسخگویی و نظارت پذیری نمی دهند، تمایلی به نظارت و مهار قدرت سیاسی ندارند و با قدرت مطلق طلبی، خواسته ها، مصالح و باورهای فردی و گروهی خود را بر مصالح مردم و عموم ترجیح می دهند و نه تنها خود را خادم مردم نمی دانند، بلکه مردم را با انواع شگردها در راه منافع خود به خدمت می گیرند و مسئولیت پذیر نیستند.

نحوه نظارت و مهار قدرت سیاسی در تمامی نظام های سیاسی، به شکل های مختلف مطرح بوده است. اسلام با آن که، قدرت زمامدار را امانتی در دست وی می داند، نظارت و مهار قدرت سیاسی را نیز مورد توصیه و تاکید قرار داده است؛ اسلام علاوه بر نظارت درونی، بر نظارت بیرونی نیز تاکید ویژه دارد. در فقه مذاهب اسلامی، نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی خیلی برجسته و مورد تاکید است تا آنجا که بدون رضایت آنها، قدرت سیاسی شکل نمی گیرد و و اگر شکل بگیرد مشروعیت خودش را از دست می دهد. شیوه های مختلف برای نظارت و مهار قدرت سیاسی از سوی مردم وجود دارد که امر به معروف و نهی از منکر، ضرورت شورا، نصیحت، ارشاد، تجویز نقض بیعت با حاکم و ... از جمله خاستگاه های نظارت و مهار قدرت سیاسی در فقه مذاهب اسلامی هستند که نظارت عمومی را در جامعه اسلامی تحقق می بخشند. در حقوق افغانستان نیز،

مردم از طریق مشارکت در انتخابات، مطبوعات، احزاب و تشکل های سیاسی، تشکل و نهادهای مدنی، برگزاری تجمع و راهپیمایی ها و... نقش مهمی را در نظارت و مهار قدرت سیاسی ایفا می کنند.

حال مساله که در این پژوهش به بررسی گرفته می شود، نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان است. بررسی این مساله با مراجعه به نظرات فقهی و حقوقی انجام می شود.

۲- سوال های تحقیق

سوال اصلی

- نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان چیست؟

سوال های فرعی

- شیوه های نظارت و مهار قدرت سیاسی از سوی مردم در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان چیست؟
- محدوده نظارت و مهار قدرت سیاسی از سوی مردم در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان چیست؟

۳- فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

- در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان، مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی نقش اساسی و مهم دارند تا جایی که بدون رضایت آنها، قدرت سیاسی شکل نمی گیرد و اگر شکل بگیرد مشروعیت خودش را از دست می دهد.

فرضیه های فرعی

- در فقه مذاهب اسلامی، شیوه های مختلف از جمله امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، ارشاد و تجویز نقض بیعت با حاکم از سوی مردم برای نظارت و مهار قدرت سیاسی وجود دارد. در حقوق افغانستان نیز شیوه های مختلف از جمله مشارکت مردم در انتخابات، مطبوعات، تشکل های سیاسی و مدنی و برگزاری تجمع و راهپیمایی ها وجود دارد.
- محدوده نظارت و مهار قدرت سیاسی از سوی مردم در فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان، قوانین است.

۴- پیشینه تحقیق

با بررسی که انجام شده است، پایان نامه و مقاله مستقل در این زمینه و با عنوان «نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان» به نظر نمی رسد. اما در ذیل دو مقاله و یک پایان نامه که بر محوریت نظارت بر قدرت با توجه به فقه شیعه و یک پایان نامه هم بر محوریت قدرت با توجه به اسلام و غرب می چرخند را می شود ذکر کرد:

مقالات

- محرمی، توحید، نظارت بر قدرت سیاسی از دیدگاه فقهاء شیعه، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، پاییز ۱۳۸۴، ۱۵۱ تا ۱۷۹.

مقاله مذکور، نظارت درونی قدرت سیاسی را به بررسی گرفته است؛ در حالیکه پژوهش حاضر کاری به نظارت درونی قدرت سیاسی ندارد.

- ایزدهی، سید سجاد، نظارت بر قدرت در فقه سیاسی، فصلنامه فقه؛ سال شانزدهم، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱، ۲۴۴ تا ۲۸۳.

این مقاله، خلاصه از کتاب «نظارت بر قدرت در فقه سیاسی» از سید سجاد ایزدهی است. این کتاب به بحث فساد قدرت و تلاش برای مهار و تحدید آن از نگاه فقه سیاسی شیعه پرداخته است و راهکارها و معیارهایی که برای مهار آن ارایه شده، به بحث گرفته است؛ در حالیکه تحقیق حاضر، نقش مردم را در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه پنج مذهب اسلامی و حقوق افغانستان به گونه تطبیقی به بررسی گرفته است و نظرات فقها و محتویات مقاله مذکور در مورد نظارت در فقه شیعه با تحقیق حاضر نیز تفاوت های دارد.

مقاله فوق نظارت را در چهار مرحله به بررسی گرفته است: نظارت در مرحله ی کسب قدرت، نظارت در مرحله اعمال قدرت (نظارت درونی و نظارت بیرونی)، نظارت در مرحله توزیع قدرت (تفکیک قوا...)، و نظارت در مرحله گردش قدرت؛ در حالیکه پژوهش حاضر به نظارت مردمی پس از این که شخص یا اشخاص از راه های مشروع به قدرت می رسند، توجه دارد، نه به مراحل دیگر و نهادهای نظارتی دیگر و نه به نظارت های درونی؛ به عبارت دیگر به نظارت مردمی بر قدرت سیاسی و آن هم پس از به قدرت رسیدن اشخاص از راه های مشروع با در نظر داشت پنج فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان توجه دارد. ناگفته نماند که در تحقیق حاضر، از «کتاب مذکور» در قسمت های که ضرورت بوده، به عنوان منبع استفاده شده است.

پایان نامه ها

- قاسم عابدی فیروز جایی، ابزارهای کنترل قدرت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، دانشگاه تربیت مدرس: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۱.

پایان نامه مذکور، به ابزارهای کنترل قدرت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پرداخته است؛ در حالیکه تحقیق حاضر به نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقهای پنج مذهب اسلامی و قوانین افغانستان پرداخته است. و روش های نظارت بر قدرت سیاسی از سوی مردم، فقط یکی از مباحث شش گانه فصل دوم است که از نگاه فقهای مذاهب اسلامی به بررسی گرفته شده است و همچنان در فصل سوم به این روش ها در حقوق افغانستان پرداخته شده است.

- چیتگرها، علی، استاد راهنما دکتر سید احمد موثقی، استاد مشاور دکتر سید حسین سیف زاده، مکانیزم های کنترل قدرت سیاسی در اسلام و غرب، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مهر ماه ۱۳۸۰.

این پایان نامه به دسترس نویسنده قرار نگرفت؛ چون ایرانداک جز چند صفحه اول (چکیده، فهرست مطالب و مقدمه)، باقی پایان نامه را در اختیار قرار نمی دهد و بنابر وضعیت بد کرونایی دسترسی به آن از طریق حضوری نیز میسر نشد. آن گونه که از چکیده، فهرست مطالب و مقدمه پایان نامه مذکور بر می آید، پایان نامه مذکور و پژوهش حاضر، دو پژوهش جدا و متفاوت است. این را می شود از سه نگاه بررسی کرد: نخست) عنوان پایان نامه مذکور «مکانیزم های کنترل قدرت سیاسی در اسلام و غرب» است؛ در حالیکه عنوان پژوهش حاضر «نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان» است و شیوه های نظارت و مهار قدرت سیاسی طی دو مبحث در دو فصل به گونه تطبیقی؛ یکی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی در فصل دوم و دیگر از دیدگاه حقوق افغانستان در فصل سوم، به بحث گرفته شده است.

دوم) پایان نامه مذکور با پژوهش حاضر از نگاه ساختاری جدا و متفاوت است: پایان نامه مذکور شامل چهار فصل به قرار ذیل است: فصل اول؛ کنترل قدرت سیاسی و مکانیزم های آن در غرب؛ فصل دوم؛ کنترل قدرت سیاسی و مکانیزم های آن در اندیشه سیاسی اهل سنت؛ فصل سوم؛ کنترل قدرت سیاسی و مکانیزم های آن در اندیشه سیاسی شیعه؛ فصل چهارم؛ منابع اسلامی و سازوکارهای کنترل قدرت سیاسی. در حالیکه پژوهش حاضر شامل سه فصل به قرار ذیل است: فصل اول؛ کلیات و تبیین مفاهیم (مردم، قدرت سیاسی، نظارت و ...؛ فصل دوم؛ نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی؛ فصل سوم، نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی در حقوق افغانستان.

سوم) پایان نامه مذکور از نگاه محتوایی هم با پژوهش حاضر جدا و متفاوت است؛ هرچند در قسمت های شاید بحث ها نزدیک و یکی باشند. در زیر کوتاه اشاره می شود:

در فصل اول پایان نامه مذکور، به سازوکارهای کنترل قدرت سیاسی در غرب؛ از قبیل تحدید اختیارات رهبران، مسولیت حاکم، حکومت قانون، اصل تفکیک قوا، استقلال قوه قضاییه و قانون اساسی پرداخته شده است؛ در حالیکه پژوهش حاضر کاری به غرب و راه های کنترل قدرت در غرب ندارد.

در پایان نامه مذکور بیان شده است که مهمترین مکانیزم های کنترل قدرت سیاسی در اسلام سه تا است: امر به معروف و نهی از منکر، انتخابات و شورا؛ در حالیکه در پژوهش حاضر، در فصل دوم به شش شیوه نظارت و مهار قدرت سیاسی به گونه تطبیقی از دیدگاه پنج مذهب اسلامی، مستندات، محدودیت ها و اهداف و کارکردهای آنها پرداخته شده است: اول امر به معروف و نهی از منکر، دوم نصیحت حاکم و کارگزاران، سوم ارشاد، چهارم احزاب سیاسی، پنجم جامعه مدنی و ششم مطبوعات و رسانه ها. و همچنان پنج شیوه نظارت و مهار قدرت سیاسی (آزادی بیان؛ مطبوعات و رسانه ها؛ جامعه مدنی؛ احزاب و تشکل های سیاسی؛ اجتماع، اعتصاب، مظاهره و تحصن)، محدودیت ها و ضمانت های اجرای آنها در حقوق

افغانستان و موانع قانونی و عملی آن در فصل سوم به بحث گرفته شده است. در پژوهش حاضر امر به معروف و نهی از منکر در لغت و اصطلاح، مستندات، حکم، شرایط و مراتب، آثار سیاسی-اجتماعی ترک آن و حسبه و احتساب به گونه مفصل و تطبیقی به بحث گرفته شده است که چنین چیزی در پایان نامه مذکور به نظر نمی رسد.

فصل دوم پایان نامه مذکور با عنوان «کنترل قدرت سیاسی و مکانیزم های آن در اندیشه سیاسی اهل سنت» آغاز می شود و به اندیشه های متفکران قرون میانه اهل سنت (عبدالرحمن بن خلدون، ماوردی) و متفکران جدید (عبدالرحمن کواکبی، محمد عبده، رشید رضا و ابوالاعلی مودودی) پرداخته است؛ در حالیکه پژوهش حاضر، کاری به اندیشه های متفکران فوق نداشته است؛ فقط در یک جای نظریه ابن خلدون، در مورد حسبه از کتاب «تشکیلات اسلامی» از محمد انور رفاعی نقل شده است، نظرات ماوردی از کتاب الاحکام السلطانیه صرفاً در مورد تعریف حسبه، یک روایت در مورد تشکیل حکومت اسلامی، شرایط تعیین حاکم و انتخاب کنندگان، وجوب امامت و مراتب امر به معروف و نهی از منکر کوتاه ذکر شده است و از کتاب خلافت و ملوکیت مودودی، کوتاه در مورد فریضه بودن نصیحت حاکم از طرف مردم و مستندات نظارت و مهار قدرت سیاسی پرداخته شده است.

فصل سوم پایان نامه مذکور با عنوان «کنترل قدرت سیاسی و مکانیزم های آن در اندیشه سیاسی شیعه» فقه سیاسی شیعه) آغاز می شود و بعد این فصل در مورد هفت نظریه (نظریه انتصابی فقیهان در امور حسبه، ولایت انتصابی عامه فقیهان، ولایت انتصابی مطلقه فقیهان، دولت مشروطه، خلافت مردم با نظارت مرجعیت، ولایت انتخابی مقیده فقیه و دولت انتخابی اسلامی) و تحدید قدرت از دیدگاه آنها و همچنان به ابزارهای درونی کنترل قدرت سیاسی پرداخته است؛ در حالیکه پژوهش حاضر در کل به دو نظریه اهل سنت و شیعه در مورد قدرت سیاسی، اهمیت و ضرورت تشکیل حکومت و حکم آن، مبنای مشروعیت قدرت سیاسی در نظریه های فوق، جایگاه مردم در هر یک از آنها و نقش مردم در نظارت بر آنها پرداخته است و همچنان تحقیق حاضر کاری به ابزارهای درونی کنترل قدرت سیاسی ندارد.

فصل چهارم پایان نامه مذکور با عنوان «منابع اسلامی و سازوکارهای کنترل قدرت سیاسی» آغاز می شود که در اینجا نیاز به توضیح نیست؛ چون در بالا به آن پرداخته شد.

۵- روش تحقیق

روش جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه ای و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی می باشد.

۶- اهداف و ضرورت انجام تحقیق

هدف از انجام تحقیق این است که با جستجو در کتب و منابع فقهی، نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی بررسی و همچنان نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی در حقوق افغانستان مورد واکاوی قرار بگیرد.

با عنایت به این که امر نظارت و مهار قدرت سیاسی، وظیفه مردمی است و احکام و دستورات مشخصی معین گردیده است تا سلامت فرد و جامعه مورد توجه قرار گیرد و جامعه دچار انحراف نگردد، ضرورت دارد که نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان به بررسی گرفته شود.

۷- جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

از نوآوری های تحقیق حاضر یکی این است که نقش مردم را در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق افغانستان به گونه تطبیقی به بررسی می گیرد. و دیگر این که به کشف ارتباط دیدگاه های مختلف فقهی در مورد نظارت و مهار قدرت سیاسی می پردازد. و همچنان نوآوری دیگر پژوهش حاضر این است که به تحلیل آثار و پیامدهای نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی می پردازد.

۸- ساختار تحقیق

این تحقیق شامل یک مقدمه، سه فصل، یک نتیجه گیری می و پیشنهادات باشد. در فصل اول کلیات و تبیین مفاهیم ذکر شده است. در فصل دوم، مبنای مشروعیت قدرت سیاسی از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی، نظارت مردم بر قدرت سیاسی و مستندات آن و شیوهای که مردم از طریق آنها می توانند به نظارت و مهار قدرت سیاسی پردازند بحث شده است. و همچنان محدودیت های نظارت و اهداف و کارکردهای را که نظارت و مهار قدرت سیاسی در پی دارد، در این فصل ذکر شده اند. در فصل سوم به نقش مردم در نظارت و مهار قدرت سیاسی از دیدگاه حقوق افغانستان پرداخته شده است. نظام سیاسی افغانستان، مبنای مشروعیت قدرت سیاسی در افغانستان و جایگاه مردم در قدرت سیاسی از مباحث این فصل هستند. همچنان نظارت مردم بر قدرت سیاسی و شیوه های نظارت و مهار قدرت سیاسی، ضمانت های اجرای آن و موانع قانونی و عملی که بر سر راه این نظارت وجود دارد از جمله مباحث هستند که در این فصل به آنها پرداخته شده است.